

خاطره شنیدنی زهرا هادیزاده، شاگرد دیروز و معاون پرورشی امروز

ناهار خوردن در زنگ علوم

صندوق
خاطرات

و کم‌کم ناهارم را خوردم؛ انگار نه انگار کلاس درس دارم! پنج دقیقه مانده بود به زنگ، خیلی راحت با مادرم خدا حافظی کردم و رفتم سر کلاس.

بالبختی که بر لب دارم، ادامه می‌دهد؛ وقتی وارد کلاس شدم، معلم دعوایم کرد که «چرا غذا نخورده‌ای و کاری کردی که از سر کلاس علوم جا بمانی!» بعد با همان لحن ناراحت گفت «دوران پدرسالاری گذشته است!» ادامه داد که، مگر رسم خانه شما این است که اگر پدر غذا نخورده باشد، بچه‌ها هم نباید غذا بخورند و مادرت بعد از ناهار پدرت برای تو غذا بیاورد؟!،

● کنایه‌ای که در ذهنم ماندگار شد

هادیزاده می‌گوید: آن لحظه منظور معلم را نفهمیدم، اما چند دقیقه بعد تازه متوجه کنایه او شدم. شانس آوردم زنگ تفریح شد، وگرنه نمی‌دانم چطور می‌توانستم خنده‌ام را کنترل کنم. این ماجرا بعدها در خانه مابندیل به یک جک شد و همیشه آن را تعریف می‌کنیم.

حالا که او خودش با دانش‌آموزان سروکار دارد، سعی می‌کند از روی یک رفتار یا یک اتفاق، شاگردان و خانواده‌هایشان را قضاوت نکنند، بلکه با آن‌ها همدل باشد و پای حرف‌هایشان بنشینند. زهرا خانم می‌گوید: من مدرسه را خیلی دوست داشتم و هنوز هم وقتی بچه‌ها را می‌بینم، انگار بخشی از آن روزها دوباره برایم زنده می‌شود.

خنده‌اش می‌گیرد. او می‌گوید: آن سال سریال پدرسالار پخش می‌شد و به خاطر یک اتفاق در زنگ علوم این سریال هنوز هم در ذهنم مانده است. مدارس آن زمان شیفتی بود و هادیزاده هم یک روز به قول خودش آن قدر مشغول شیطننت شده بود که ناهار نخورده‌های مدرسه شد. مادرش که نمی‌توانست تحمل کند دخترش ناهار نخورده باشد، غذایش را برداشت و به مدرسه برد. زهرا خانم تعریف می‌کند: زنگ علوم بود. من هم به خاطر سخت بودن این درس زیاد آن را دوست نداشتم. معاون مدرسه من را صدا زد. رفتم دفتر و با خیال راحت کنار مادرم نشستم.



صفائی! حالا که فصل پاییز رسیده، بخشی از دوران کودکی‌اش را دوباره زندگی می‌کند؛ کودکی پر جنب و جوش که مدرسه را خیلی دوست داشت و از همان روز اول تصمیم گرفته بود مستقل باشد.

زهرا هادیزاده عنبران، حالا معاون پرورشی دبستان امام حسین^(ع) است؛ مدرسه‌ای که روزگاری پشت نیمکت‌هایش می‌نشسته و حالا سعی می‌کند قبل از هر چیزی باشاگردان مدرسه رفیق باشد و به حرف‌هایشان گوش جان بسپارد. این ساکن محله گوهرشاد که تفاوت زیادی بین رفتار دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان در دهه‌های قبل و امروز می‌بیند، با تکیه بر سال‌ها تجربه معتقد است که دوستی و گفت‌وگو با دانش‌آموز به شیوه درست، بهترین مسیر بدون دردسر برای آموزش است.

● دوران پدرسالاری گذشت

هادیزاده وقتی از روزهای دانش‌آموزی‌اش حرف می‌زند، لبخند می‌زند و می‌گوید: من بچه آخر خانواده بودم و شخصیت مستقلی داشتم. روز اول مدرسه مادرم من را همراهی کرد، اما به او گفتم از فردا خودم می‌روم و دیگر با من نیا. دوست داشتم کارهایم را هم خودم انجام بدهم.

یکی از شیرین‌ترین خاطرات خانم معلم به کلاس چهارم و زنگ علوم برمی‌گردد: خاطره‌ای که هنوز هم وقتی تعریف می‌کند،

نوجوان محله نوید، مسیر حفظ کتاب خدا و درس را هم‌زمان پیش می‌برد

قرآن، راز جهش تحصیلی

امید محله

● حفظ قرآن چه کمکی به

درس خواندن کرده است؟

یکی از دستاوردهایش، قوی‌تر شدن حافظه‌ام است. به‌ویژه در درس‌هایی که نیاز به حفظ کردن دارند، راحت‌تر هستم و معمولاً با یک بار خواندن، مطالب را خوب متوجه می‌شوم.

● الگوی قرآنی‌ات چه کسی است؟

استاد محمد صدیق منشاوی الگوی من هستند. صدایی خیلی خوب و آسمانی دارند و من همیشه برای شروع حفظ آیات، صوت ایشان را گوش می‌دهم.

● برای حفظ آیات روش خاصی داری؟

تابستان هاروژی یک صفحه حفظ می‌کردم، اما الان که درس‌هایم بیشتر شده، روزی ۹ خط حفظ می‌کنم. ابتدا صوت آیات را گوش می‌دهم و بعد با همان قاری شروع به خواندن می‌کنم. معمولاً با سه بار تکرار، آیه را حفظ می‌شوم.

● برای آینده چه برنامه‌ای داری؟

می‌خواهم حافظ کل قرآن شوم و بعد به کسانی که به حفظ قرآن علاقه دارند، کمک کنم تا آن‌ها هم در این مسیر موفق شوند.

● شنیده‌ایم دو پایه تحصیلی را به صورت جهشی گذرانده‌ای. برایمان از این تجربه بگو.

من از درس خواندن خیلی خوشم می‌آید. از چهار سالگی به دلیل قرآن خواندن و شرکت در کلاس زبان انگلیسی، حروف فارسی را هم یاد گرفتم. هم‌زمان با کلاس اول، درس‌های کلاس دوم را می‌خواندم و در پایه سوم هم کلاس چهارم را خواندم. به این ترتیب دو سال جهشی درس خواندم و الان دانش‌آموز پایه هشتم هستم.

مطهره چنارانی، در کلاس قرآن مسجد امام حسین^(ع) محله شرکت کردم. آنجا با خانم هاشمی، استاد حفظ قرآن، آشنا شدم. بعد از یادگیری روخوانی و روان‌خوانی، حفظ قرآن را به صورت جدی و حرفه‌ای ادامه دادم.

● از قرآن چه چیزی برای زندگی یاد گرفته‌ای؟

در آیات و سوره‌های قرآن درس‌های زیادی برای زندگی وجود دارد. برای مثال، در سوره بقره درباره احترام به بزرگ‌ترها، صدقه دادن و پرهیز از اسراف تأکید شده است. سعی می‌کنم در کنار حفظ، به این آموزه‌ها هم در زندگی عمل کنم. برای من، قرآن فقط کتابی برای خواندن و حفظ کردن نیست؛ راهنمای زندگی و همدم من است.



صدرا جلسات قرآن خانوادگی برای

سیده حنانه فیروزی نقطه شروع یادگیری قرآن و بعدها حفظ این کتاب مقدس است. حنانه از پنج سالگی خواندن قرآن را آغاز کرد و در هشت سالگی جزء ۳۰ را از حفظ بود. حالا مدرک حفظ جزء ۳۰ و ۵ جزء قرآن را از حرم مطهر رضوی و دارالقرآن یحیی بن زید^(ع) در بولوار توس دریافت کرده و خودش را برای دریافت مدرک حفظ ۱۰ جزء اول قرآن آماده می‌کند. می‌خواهد حافظ کل قرآن کریم باشد و بعد هم به کسانی کمک کند که در این مسیر قدم می‌گذارند. علاقه او به درس هم بر کسی پوشیده نیست و توانسته تا کنون دو سال تحصیلی را جهشی بخواند و الان دانش‌آموز کلاس هشتم است.

● چطور به قرآن علاقه‌مند شدی؟

در خانواده‌ای مذهبی بزرگ شده‌ام که برگزاری جلسات قرآن در آن همیشه جایگاه ویژه‌ای داشته است؛ خانواده پدری هر دو هفته یک بار و خانواده مادری پنجشنبه هر ماه جلسه قرآن دارند. من هم از کودکی در این فضا حضور داشتم و به تدریج به خواندن قرآن علاقه‌مند شدم.

● خواندن و حفظ قرآن را از چه زمانی شروع کردی؟

از پنج سالگی در خانه خواندن قرآن را شروع کردم و تا هشت سالگی توانستم جزء ۳۰ را حفظ کنم. نه ساله که شدم، همراه دوستم،